

## استقلال فکری

ملل مسلمان درك نموده اند كه غرب زدگی چون بیماری خطرناکی سراسر شئون فردی و اجتماعی مادی و معنوی آنها را فرا گرفته است اما مسلمانیان مهمتر از احساس درد پیدا نمودن علاج قطعی آنست؛ میخواهیم در این مقاله کوشش‌ها و طرح‌های متفکرین اسلامی را برای مبارزه با این شکست فکری و احیاء مجدد شخصیت اسلامی اجمالاً بررسی کنیم و دریابیم که نسل مسلمان امروز از چه راه با دیگران استقلال کامل فکری را بازمی‌یابد؟

تمدن‌های جدید و افکار نو، وقتی از مهد اصلی حرکت نموده متوجه یک ملت بیگانه میشود تحول دامنه دار و عمیقی در فرهنگ عمومی آن ملت به وجود می‌آورد و استقلال فکری را در همه شئون اجتماعی بکلی از آنها سلب میکند؛ این حقیقتی است تاریخی که علل بسیاری از تبدلات و تغییرات اساسی تاریخ ملل را باید در آن جستجو کرد.

یکی از این حملات فکری و فرهنگی هجوم تمدن غربی به سرزمینهای اسلامی است که مقارن لشکر کشی ناپلئون به مصر آغاز شد و همچنانکه لشکر ناپلئون سرزمین اسلامی مصر را از نظر نظامی اشغال نمود، یک سلسله افکار غربی نیز مغزها و دلهای مسلمانان آن سرزمین را بتدریج مقر حکومت و فرماندهی خود قرارداد. این هجوم فکری بصورتیکه تاریخ نشان میدهد در مدت کمی از مصر تجاوز نموده و سایر نقاط اسلامی را یکی پس از دیگری تحت تصرف درآورد و در اثر انحطاط اجتماعی و سیاسی شدیدی که بر سراسر امپراطوری عثمانی (قسمت عمده جهان اسلام

در آرزو ( حکمفرما بود این حمله توانست نظام فکری و معنوی مسلمانان را تقریباً در هم بریزد و قسمت مهمی از بقایای فرهنگ اسلامی را که در میان آنها بود از میان بردارد .

در اینکه در قرن نوزده و بیست سیل افکار غربی همه شتون فردی و اجتماعی زندگی مسلمانان را بشدت تحت تأثیر قرار داده و شخصیت مخصوص اسلامی آنها را تا حد و زیادی به تحلیل برده هیچ متفکری تردید ندارد و این حقیقت تلخ انکار پذیر نمیتواند باشد، آنچه امروز برای نسل مسلمان توجه به آن ضروری و لازم است عکس العمل نسبتاً شنیدنی است که از طرف متفکرین اسلامی برای مقابله و مبارزه با این هجوم معنوی بعمل آمده و طرحهایی است که برای رهائی از این استعمار فکری و احیاء مجدد شخصیت اسلامی در ملل مسلمان پیشنهاد شده است. این موضوع مهم حیاتی است که مطالعه و بررسی آن بر هر فرد مسلمان و علاقمند ضروری بنظر میرسد در اواخر قرن نوزدهم متفکرین اسلام وقتی خود باختگی و شکست معنوی مسلمانان را دیدند سنگینی و مسئولیت و وظیفه خطیر را بردوش خود احساس نمودند: نخستین وظیفه روشن ساختن این حقیقت اساسی بود که جنبه های منفی تمدن غربی با روح اسلام مبین و ناسازگار است ، اسلام اجتماع خود را پیش از هر چیز دیگر بر یک اساس روحی و معنوی بنیانگذاری میکند ولی تمدن غرب پیش از هر چیز بر یک سلسله اصول مادی استوار است این یک فرق اساسی میان اسلام و غرب است که آثار آن در سراسر شتون فردی و اجتماعی آشکار میگردد و مبیایست نسل مسلمان به این حقیقت توجه کند (۱) ،

وظیفه دوم مبارزه عملی و طرح نقشه های مؤثر برای جلوگیری از توسعه این شکست فکری و تجدید حیات شخصیت اسلامی مسلمین بود . تنها انجام صحیح این دو وظیفه بود که جهان اسلام را از خطر قطعی هجوم معنوی غرب حفظ میکرد و نمیکذاشت رابطه نسل مسلمان با اسلام برای همیشه قطع شود ! اهمیت این دو کار بخوبی معلوم شده بود و گرچه توده های مسلمان در غفلت ممتدی بسر میبردند ولی متفکرینی در گوشه و کنار بودند که کوتاهی و تعلل را روا ندانسته با تمام قوا و امکانات موجوده در راه انجام وظیفه و رها نیدن جهان اسلام کوشش مینمودند .  
این متفکرین در عین داشتن فعالیت های مشترک از دور راه به کوشش پرداختند دسته ای که

(۱) مقارن این فعالیت ها جهان اسلام مواجه با خطر بزرگ ظهور حس ملیت پرستی افراطی و طرد وحدت اسلامی بود ، متفکرین دلسوز با شدت هر چه تمام تر به مبارزه این حادثه نوظهور رفتند و با صراحت اعلام داشتند که این تحفه غربی با روح اسلام مبیاینست صریح دارد و منطق اسلام تأسیس اجتماع بر پایه عقیده و معنویات است نه مسائل ملی . متأسفانه مشاهده میکنیم که این حادثه کار خود را کرد و جهان اسلام بملتهای گوناگون تقسیم شد .

دراست آنها مرحوم «سید جمال الدین اسدآبادی» نایب دانشگاه شیمی قرار داشت بیشتر فعالیت را متوجه اصلاح اوضاع سیاسی کشورهای اسلامی نموده بودند، آنها اصلاح اوضاع سیاسی امپراطوری عثمانی و برقراری سیاست داخلی و خارجی جهان اسلام را بر موانع اسلامی و پیشرفتهای روز؛ مؤثرترین وسیله علاج همه دردها میدانستند و معتقد بودند که باید تجدید حیات مسلمانان را از این راه شروع کرد و قبل از هر چیز اوضاع سیاسی را اصلاح نمود؛ مرحوم اسدآبادی در این راه به مسافرت های زیاد و کوشش های فوق العاده ای پرداخت و رنجها و زحمات فراوانی متحمل شد؛ اما تا چه اندازه در مقاصد خود موفق شد و افکار و اقدامات او چه اثراتی بعداً در اوضاع سیاسی ممالک اسلامی بخشید بحث مفصلی دارد و در اینجا مورد بحث مانیت .

عده دیگری بر رهبری «شیخ محمد عبده» دانشمند بزرگ اسلامی قسمت عمده کوشش را متوجه اصلاح اوضاع اجتماعی و عقیده ای و فکری مسلمانان نمودند؛ (۱) آنها معتقد بودند با وضعی که بر جهان اسلام عارض شده، بهتر روشن ساختن عقائد و حقائق اسلامی و مخصوصاً تنظیم و تبویب روز پسند فقه اسلامی و مشخص ساختن امتیازات عالی حقوق اسلامی از لابلای کتب فقه مهم ترین وظیفه فرزندان اسلام است، آنها می گفتند مهم ترین عامل انحطاط و شکست فکری مسلمانان بی خبری آنها از روح و حقیقت اسلام است، مسلمانان در اثر علل و عوامل فراوانی قسمت های اجتماعی و تحول انگیز اسلام را فراموش نموده اند و خرافات و موضوعات خارج از دین که در طول قرنهای متوالی رخساره واقعی اسلام را پوشانده و سبب قسمت عمده ای از اختلافات و دشمنیهای فرق مختلف اسلامی گشته این فراموشی و بیخبری را چندین برابر نموده است .

آنها معتقد بودند مسلمانان باید جهت تاجیر شدید ظاهر فرهنگ غربی قرار بگیرند که گمان میکنند اسلام نمیتواند منبع نیرو بخش پیشرفت و ترقی باشد و اگر بفرمند اسلام آنچنان زنده و متحرک است که میتواند منبع عالیترین پیشرفتهای برای مسلمین باشد هرگز آنرا ترک ننموده دست بدامن قوانین و نظام اجتماعی غرب نمیشوند نسل مسلمان باید بفهمد که بر خورداری از زیبائیها و مظاهر زندگی و استفاده از قدرت شکر فطیعت که سبب تمدن جدید است به بهترین وجه در اسلام تأمین شده است .

مرحوم اسدآبادی و عبده برای تحقیق بخشیدن به هدفهای عالی خود ضمن فعالیت های زیادی

(۱) شیخ عبده خصوصاً در اصلاح وضع و برنامه درسی دانشگاه الازهر و ایجاد یک تحول فکری در این مرکز اسلامی کوشش فراوان نموده است .

دست به انتشار مجله «العروة الوثقی» زدند و منظور از انتشار آن ایجاد یک نهضت فکری اسلامی در میان عموم توده‌ها و طبقات مختلف، سامین و تأسیس یک مرکز برای نشر افکار متفکرین بود. نشر این مجله توأم با تحمل زحمات فراوان بود ولی اثر فکری آن رضایت بخش بود و در جهان اسلام آن روز همانند چراغ فروزانی در یک بیابان تاریک؛ میدرخشید و کسانی از سامین را که نطفه این گونه افکار در مغزشان به وجود آمده اما از نبودن ره‌نما و هم‌فکر اهمیتی به این افکار خود نمی‌دادند بطرف این مرکز متوجه می‌ساخت و افکارشان را تقویت میکرد. بتدریج طرفداران این افکار انقلابی اسلامی در گوشه و کنار زیاد شده و نطفه یک نهضت فکری تکوین شده بود. از نقاط مختلف امپراطوری عثمانی که آن روز قسمت مهم جهان اسلام را در برداشت صداهای اصلاح طلبانه پر حرارت و نیروئی بلند شده بود و این نهضت گرچه با مقایسه با اوضاع عمومی مسلمین ناچیز بود ولی چون بر پایه ایمان و عقیده کامل بانیان آن تکیه داشت مایه امیدواری بسیار گشته بود.

چیزی نگذشت که مجله معروف «المنار» هم به کوشش «محمد رشید رضا» با مقالات مستدل و مؤثر و طرح‌های جالبی که برای تحقیق و مطالعه معارف اسلامی داشت وارد میدان این نهضت شد؛ دانشمند و متفکر دیگری (عبد الرحمن کواکبی) در این زمینه هادو کتاب مهم از خود بیادگار گذاشت بنام «ام القری» و «طبائع الاستبداد» که این دو کتاب نیز سهم بزرگی در بیداری افکار داشت (۱)

روز بروز تألیفات بیشتری برای کمک به این نهضت فکری پا بر سره گذارد که مهمترین هدف آنها پاک نمودن اسلام از اوهام و خرافات و بهتر شناساندن معارف عالیّه آن به نسل مسلمان و بالاخره نشان دادن سیمای واقعی یک نظام اسلامی بود. دامنه این فعالیتها از دانشگاههای اسلامی گرفته تا دورترین نقاط کشور های مسلمان نشین کم و بیش سرایت کرد و البته همیشه کشور مصر و سوریه و لبنان مرکز اساسی آن بود زیرا اروپائیها در این سرزمینها از دیر زمانی دست به تأسیس آموزشگاههای متعددی زده بودند که اثر تبلیغی آنها بسیار زیاد بود و جوانان مسلمان در این آموزشگاهها دسته دسته تربیت غربی میدیدند و افکار و عقائد و رفتار غربی همه زوایای مغز و فکر آنها را اشغال مینمود (۲) از این جهت این سه کشور مرکز اساسی مبارزه

(۱) البته این چند نشریه و کتاب از باب نمونه آورده شد.

(۲) جرجی زیدان در جلد چهارم «آداب اللغه العربیة» و دکتر زین الدین «استاد

تاریخ دانشگاه امریکائی بیروت) در کتاب «پیدایش افکار ملی در خاور نزدیک» قسمتی از این آموزشگاهها را ذکر نموده اند.

## علیه غرب زدگی بود ۱

این نهضت جدید که داشت در تاریخ ملل مسلمان فصل جدیدی باز میکرد توجه دانشمندان غربی و مستشرقین را نیز بخود معطوف داشت و علاوه بر مقالات و سخنرانیها، تئیکه از طرف آنها در این باره نوشته ویا ایراد شد « مستشرق گیب » مستشرق معروف کتاب مخصوصی درباره این تحول فکری بنام «الاتجاهات الحدیثة فی الاسلام» (۱) برشته تهریر کشیده و در آن نهضت تازه فکری عالم اسلام را دقیقاً تشریح و تجزیه و تحلیل نمود .

در این انقلاب و نهضت ضمن تحقیق و بررسی مجدد همه معارف اسلامی توجه خاصی به مسائل و دکتربین حقوقی اسلام ابراز شد زیرا مهمترین صدمه و آسیبی که از ناحیه هجوم فرهنگ غربی متوجه اسلام شده بود همانا در قسمت قوانین اسلامی بود . غرب پیشرفتهای روز افزون خود را معلول آن نظام سیاسی و حقوقی میدانست که بدنبال انقلاب کبیر قرآنسه بان رسیده بود و از این راه نظام سیاسی و حقوقی خاص اسلام مورد اعتراض و حمله سخت غربیها واقع شده بود و نظر به انحطاطیکه در جوامع مسلمین بود تمام این اعتراضها در اذهان نسل جوان مؤثر میشد و یک نهضت قانونگزاری در کشورهای اسلامی به وجود آمده بود که مرتباً قوانین غربی را جانشین قوانین اسلامی مینمودند .

این وضع ضربههای شدیدی به استقلال فکری اسلامی میزد و از اینرو متفکرین اسلامی در تحقیق مسائل حقوقی اسلام همت بیشتر نمودند و چاره در آن دیدند که اول در حدود امکان اصول کلی این فقه عظیم را آنچه تا آنکه لازم است بدنیای غرب بشناسانند و اساساً طرز فکر اروپاییها را نسبت بحقوق اسلامی عوض کنند ، برای تحقق بخشیدن به این منظور افکار زیادی مورد شور و بحث قرار میگرفت و اهمیت اینکار کاملاً معلوم شده بود ، تا اینکه « شیخ مصطفی المرغنی » ( رئیس وقت دانشگاه الازهر ) در این باره قدم بزرگی برداشت و آن فرستادن هیئتی از فقهاء برجسته اسلامی به یکی از کنگره های مهم حقوقی غرب جهت بحث در حقوق اسلام بود .

دکتر محمد یوسف موسی در کتاب « تاریخ الفقه الاسلامی » و همچنین « دکتر صبحی محمصانی » در کتاب « فلسفة التشريع فی الاسلام » این جریان مهم را که در تاریخ فقه اسلام بوقوع پیوسته اینطور نقل میکنند :

در سال ۱۹۳۷ میلادی کنگره بین المللی حقوق تطبیقی در لاهه منعقد بود ،

(۱) « تحولات تازه فکری در جهان اسلام » - این کتاب را عده ای از اساتید دانشگاههای لبنان از انگلیسی به عربی ترجمه نموده اند .

مرحوم مصطفی المرعفی بمنظور شناساندن فقه اسلامی به این محفل علمی جهانی هیئتی از علماء برجسته اسلامی را به نمایندگی در این کنگره فرستاد این هیئت (تا آن حدود که بر نامه کنگره و سایر امکانات اجازه میداد) در دو قسمت مهم از فقه اسلامی یعنی «مسئولیت جزائی و مدنی» در فقه اسلام وارد بحث شدند و اصول کلی فقه اسلامی را در این دو موضوع که در عالم حقوق از مباحث بسیار مهم میباشند برای اعضاء کنگره تشریح کردند ، این هیئت ضمن بحثهای خود اثبات نمودند که حقوق اسلامی کاملاً اصیل است و از حقوق روم متأثر نگشته و صلاحیت هر گونه تطورات جدیدی را دارا میباشد.

در نتیجه این بحثها و بررسیها کنگره موافقت علمی خود را با صلاحیت حقوق اسلامی از نظر تأمین احتیاجات تازه زندگی کنونی (بدون احتیاج به استفاده از حقوق دیگر) صریحاً اعلام داشت همچنانکه پیشنهاد نمود در جلسات آینده کنگره برای بحث در مسائل و موضوعات مربوط به حقوق اسلامی زبان عربی مورد استفاده قرار گیرد.

پیدا است که این اقدام اساسی عظمت و عمق حقوق اسلامی را تا حد و زیادی در جهان غرب آشکار نمود و سبب شد قسمت مهمی از اشتباهات اروپائیه و مستشرقین در فهم حقوق اسلامی که فوق العاده بضرر اسلام تمام میشد بر طرف گردد . مطلقین میدانند که مسئله خاور-شناسی و خاورشناسان برای جهان اسلام مسئله مهم و قابل توجهی شده و اشتباهات اصولی آنها در فهم معارف مختلف اسلامی مشکل بزرگی را از نظر معرفی اسلام در غرب بوجود آورده نوشته‌ها و تحقیقات آنها در عین حال که شامل مباحث سودمند تحقیقی است شامل یک رشته نسبت‌های ناروا و خطاهای علمی هست که اصلاح آنها از وظائف اساسی علمای اسلام بشمار میرود . پس از آنکه گوشه‌ای از حقوق اسلامی بصورت صحیح و از طرف علماء با صلاحیت در آن کنگره مطرح و مورد توجه و تحسین قرار گرفت امروز در جهان غرب مطالعه در حقوق اسلامی توسعه و اهمیت زیاد پیدا نموده و تدریجاً وارد برنامه های دانشکده های حقوق میگردد .

در داخل کشورهای اسلامی هم از طرف فقهاء مطلع و روشن بین و سایر دانشمندان اسلامی طرحهایی برای چگونگی برنامه تدریس فقه اسلامی در دانشکده های مسلمان عرضه شد که گرچه تا کنون بطور کامل به این طرحها عمل نشده ولی گفتگو و صحبت این طرحها و توجه باینکه باید با اسلوب صحیح تر و جامع تری بمطالعه فقه پرداخت در نسل جوان فکرای تازه ای ایجاد نموده و برای افراد رهنمائی نموده که اقلاد مطالعات شخصی خود چه راهی را

انتخاب کنند.

دراثر عرضه این طرح‌ها و قوت گرفتن این افکار بود که بطور معجز آسائی مقدمات مطالعه فقه شیعه در دانشکده‌های اهل تسنن چندی قبل فراهم آمد و «شیخ شلتوت» (رئیس فقید دانشگاه الازهر) در این راه آن قدمهای بزرگ را برداشت، این طرح‌ها متعدد است و بنظر میرسد کاملترین آنها طرح زیر است که آنرا دکتر «عبد الرزاق السنهوری» به این ترتیب پیشنهاد نموده است:

۱ - مطالعه و بررسی عمیق تاریخ فقه اسلامی

۲ - بررسی عمیق اصول فقه اسلامی و تاریخ اصول فقه

۳ - تطبیق فقه مذاهب مختلف فقهی اسلامی بایکدیگر و توجه بدلائل هر کدام از آنها

۴ - تطبیق قوانین حقوق اسلامی با قوانین جدید غرب و بررسی مسائل اساسی مربوط

بهر کدام از آنها، (۱)

میدانیم که امروز در حوزه‌های علمیه و یادانشکده‌های اسلامی و حقوق ملل مسلمان بطور کامل به این طرح سودمند عمل نمیشود ولی مسلماً روزیکه این طرح جامع مورد عمل قرار گیرد فقه اسلامی حیات و جنبش زائد الوصفی بخود خواهد گرفت و هم اکنون قسمتی از این طرح که عملی شده در عالم فقاهت اهل سنت تأثیر فراوان بخشیده است، امروز در جهان فقاهت عامه از سد باب اجتهاد که قرن‌ها دامنگیر آنها بوده بزشتی و نزاراحتی نام برده میشود و تا حدود زیادی تعصبات خشک مذاهب فقهی از میان رفته است.

اقدامات اساسی و لازم دیگری که بمنظور آشنا ساختن نسل مسلمان بحقایق اسلامی در عالم فقه عامه بعمل آمده عوض نمودن طرز تبویب کتب فقه بوده است، در میان عامه کتابهای معتبر و مهمی درباره مسائل اساسی حقوق اسلامی بصورت کاملاً روز پسند تألیف شده و در دسترس دانشجویان حقوق و دیگران قرار گرفته است و با توجه به اینکه مراجعه و تحقیق پاره‌ای از نظریات اسلامی از طریق کتب فقه (که بصورت تبویب قدیمی باقی مانده) برای جوانان کاری دشوار و یا غیر عملی میباشد میتوان ارزش اینکار را درک نمود (۲)

(۱) مجله «المسلمون» نشریه مرکز اسلامی ژنو شماره سوم سال اول

(۲) در آینده بضمیمه تکمیل مباحث این مقاله اوضاع فکری را در عالم شیعه

بررسی میکنیم و مقصود اساسی از این بحث همان توجه به مشکل نسل امروز در جهان شیعه

میباشد.